

نوع مقاله: پژوهشی

جنگ ترکیبی روسیه-آمریکا و روابط امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه (2008-2019)¹

مهدی باقی مجرد²، سعید وثوقی^{3*}، شهرزاد ابراهیمی⁴

تاریخ دریافت: 1399/11/17؛ تاریخ پذیرش: 1400/03/24

چکیده

ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد، به ویژه در دوره اوباما و ترامپ، نقش پیچیده و مبهمی در روابط امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه داشته است. آمریکا، به گونه‌ای ناملموس در روابط امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه دخالت می‌کند و تنش و همکاری میان این کشور و روسیه، بر چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا بسیار تأثیرگذار است. پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو این است که «ایالات متحده، در دو دهه اخیر، چگونه و با چه سازوکاری بر چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا تأثیر گذاشته است؟» پاسخ، این است که «ایالات متحده با روسیه درگیر جنگی ترکیبی است و با ابزارهای جنگ ترکیبی بر تداوم و تعمیق چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا (بحران اکرین، گسترش اتحادیه اروپا، و گسترش ناتو) تأثیر گذاشته است». روش پژوهش حاضر، اسنادی است و داده‌ها از مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط با موضوع، گردآوری شده‌اند و نقش ایالات متحده در چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا را نیز با استفاده از چارچوب نظری جنگ ترکیبی جی. کولین و جنینرود، ای، بررسی و تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایالات متحده، به منظور مهار روسیه، از ابزارهای جنگ ترکیبی (اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، و مدنی) برای تداوم و تعمیق چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا (بحران اکرین، گسترش اتحادیه اروپا و گسترش ناتو) استفاده کرده است. مهم‌ترین ابزار ایالات متحده در جنگ ترکیبی با روسیه، ابزار اطلاعاتی، سیاسی، و اقتصادی است.

واژگان کلیدی: جنگ ترکیبی، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چالش‌های امنیتی

1 این مقاله، برگرفته از رساله دکترای مهدی باقی مجرد با عنوان "روابط روسیه و ایالات متحده و تأثیر آن بر ترتیبات نظام بین الملل بعد از جنگ سرد تا 2019"، دانشگاه اصفهان، رشته روابط بین الملل است.

2 دانشجوی دکترای روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
mahdibaghi2012@yahoo.com

3 دانشیار روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
s.vosoughi@ase.ui.ac.ir

4 دانشیار روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

Russia-US hybrid warfare and EU-Russia Security Relations (2008-2019)

Mahdi Baghi Mojarrad¹, Saeed Vosoughi^{2*}, Shahrooz Ebrahimi³

Abstract

The United States has played a complex and ambiguous role in European Union -Russia security relations since the end of the Cold War, especially under Obama and Trump. The United States is implicitly interfering in European Union -Russia security relations. Tensions and cooperation between the United States and Russia have had a significant impact on the European Union -Russia Security Challenges. The main question of the forthcoming research is how and by what mechanism has the United States influenced the European Union -Russia Security Challenges in the last two decades? The answer is that the United States is engaged in a Hybrid warfare with Russia, and has used the tools of Hybrid warfare to perpetuate and deepen the European Union -Russia Security Challenges (Ukraine crisis, EU enlargement and NATO enlargement). The method of the present study is documentary and data has been collected from related articles and books and has examined and analyzed the role of the United States in the European Union -Russia Security Challenges using the Theoretical framework of hybrid warfare Cullen & Kjennerud. The findings of the study suggest that the United States is continuing to contain Russia, using the tools of Hybrid warfare (intelligence, economic, political, military, and civilian) in the European Union -Russia Security Challenges (Ukraine crisis, EU enlargement, and NATO expansion) and the deepening of these challenges has had an impact. The most important US tools in the Hybrid warfare with Russia are intelligence, political and economic tools.

Keywords: Hybrid warfare, United States, European Union, Russia, Security Challenges

1. Ph.D. Student of International Relations, University of Isfahan

2. Associate Professor of International Relations, University of Isfahan (Corresponding Author)
s.vosoughi@ase.ui.ac.ir

3. Associate Professor of International Relations, University of Isfahan

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی، ایالات متحده به عنوان هژمون و ابرقدرتی بی‌رقیب در جهان ایفای نقش کرده و نفوذ خود را در حوزه‌های نفوذ پیشین روسیه در اروپای شرقی و نقاط دیگر جهان گسترش داده است. ایالات متحده در کشورهای پیرامونی روسیه، جنگ‌های ترکیبی به‌راه انداخته، حکومت‌های متمایل به خود را تقویت کرده، و حکومت‌های متمایل به روسیه را با استفاده از فنون جنگ ترکیبی تغییر داده است؛ سیاستی که در اکراین به خوبی قابل مشاهده است. روسیه در واکنش به اقدامات ایالات متحده، از جمله گسترش ناتو و اتحادیه اروپا، اقدام به حمایت از جنبش‌های جدایی طلب دونه‌سک و تصرف بخشی از خاک اکراین، یعنی شبه جزیره کریمه، کرده است. این واکنش روسیه به سیاست جنگ ترکیبی ایالات متحده در پیرامون کشورش، سبب تخریب بیشتر رابطه امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه شد. روابط امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه در دو دهه گذشته فراز و فرودهای زیادی داشته و از همکاری راهبردی در دهه نخست سده 21، تا تقابل راهبردی پس از جنگ گرجستان و بحرین اکراین را به خود دیده است. عوامل زیادی در فراز و فرود این روابط تأثیرگذار بوده‌اند که یکی از آنها، مداخله ایالات متحده بوده است. ایالات متحده در جنگ ترکیبی، برای دخالت در روابط امنیتی میان روسیه و اتحادیه اروپا، ترکیبی از ابزارهای متفاوت را به کار برده است. این ابزارهای جنگ ترکیبی، بر پایه نوع چالش و تهدید متفاوت بوده‌اند. تحلیل و بررسی نقش جنگ ترکیبی ایالات متحده با روسیه در تعمیق چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه، موضوع مهمی به شمار می‌آید. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «ایالات متحده در دو دهه اخیر چگونه و با چه سازوکاری بر چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا تأثیر گذاشته است؟» پاسخ، این است که «ایالات متحده با روسیه درگیر جنگی ترکیبی است و با شیوه‌های جنگ ترکیبی بر تداوم و تعمیق چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا (بحران اکراین، گسترش اتحادیه اروپا، و گسترش ناتو) تأثیر گذاشته است.

1. پیشینه پژوهش

در باره جنگ ترکیبی و رقابت ایالات متحده و روسیه و چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه، پژوهش‌های پرشماری انجام شده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

• پژوهش‌هایی که چالش‌های امنیتی و فرازوفرودهای روابط روسیه و اتحادیه اروپا را بررسی کرده‌اند آویزه در پژوهشی با عنوان (مناقشه اوکراین: چالش روسیه برای حکمرانی امنیتی اروپا) تاکید دارد که روسیه با دستکاری طیف و سعی از ابزارهای سخت و نرم به دنبال حفظ یا بازآفرینی حوزه نفوذ سنتی است (Averre, D, 2016: 699) و کانیت در پژوهشی با عنوان (چالش روسیه برای محیط امنیتی اروپا) به این نتیجه رسیده است که طی دهه گذشته روابط روسیه با ایالات متحده و اروپا تیره‌تر شده، تا جایی که روسیه از نیروی نظامی برای به چالش کشیدن سیاست‌های غربی استفاده نمود و ناتو متعهد شد تا حضور نظامی خود را در کشورهای روسیه که با روسیه هم‌مرز هستند، تقویت کند (Kanet, R. E, 2017:1). ثمودی پیلرود نیز در پژوهشی با عنوان (جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی) بر این نظر است که هدف روسیه از جنگ ترکیبی با کشورهای اروپایی، بازگشت به جایگاه ابرقدرتی و تغییر موازنه به سود خود در مناسبات با غرب است (Samoudi, 2021: 173).

• پژوهش‌هایی که موضوع جنگ ترکیبی را بررسی کرده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها، ادبیات نظری جنگ ترکیبی و مصداق‌های این‌گونه جنگ‌ها را تحلیل کرده و آن را پدیده‌ای نوین در نظر گرفته‌اند هافمن در پژوهشی با عنوان (جنگ هیبریدی و چالش‌ها) به مفهوم جنگ ترکیبی پرداخته است (F.G Hoffman, 2007:p.8). جنینرود و کولین در پژوهشی با عنوان (پروژه مقابله با جنگ هیبریدی: شناخت جنگ هیبریدی) تعاریف متعدد جنگ ترکیبی را بررسی نموده و شیوه مقابله با این نوع جنگ را تدوین نموده‌اند (Cullen, P. J., & Reichborn-Kjennerud, E, 2017:pp. 3, 8).

• پژوهش‌هایی که موضوع رقابت جهانی و منطقه‌ای روسیه و ایالات متحده و ابعاد جدید این رقابت را بررسی کرده‌اند نیستات در پژوهشی با عنوان (قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها) به قانون کاتسا و تحریم روسیه از جانب آمریکا پرداخته است. (Neistat, O, 2019: 24) اورلوا در پژوهشی با عنوان (روابط ایالات متحده و روسیه در 30 سال گذشته) بر این نظر است که ایالات متحده و روسیه درگیر رویارویی پیچیده‌ای هستند. روسیه برتری آمریکایی و سیاست یکجانبه ایالات متحده را انکار می‌کند. ایالات متحده از پذیرش روسیه به عنوان یک قدرت جهانی خودداری می‌نماید، وضعیت روسیه را تضعیف می‌کند و روسیه را بنحاضر جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی‌اش سرزنش می‌کند (Orlova, V. V, 2020:p.118 p). روحی دهبنه و همکاران (2020) نیز در پژوهشی با عنوان

(روابط امنیتی دو قدرت بزرگ روسیه و آمریکا در مجموعه امنیتی پسا شوروی: الگوها و روندها) بر پایه نتایج این پژوهش، این دو قدرت بزرگ، از هر شش نوع نظم امنیتی موردنظر مورگان، لیک، و پاپایانو، یعنی هژمونی، توازن قوا، کنسرت قوا، امنیت دسته‌جمعی، و جامعه امنیتی تکثرگرا و همگرایی، به تناوب بهره برده‌اند. بحران اکرین موجب شده است که این کشور به سیاست کنسرت و هژمونی منطقه‌ای و توازن، به‌گونه‌ای سخت و نرم روی آورد و به شکل‌دهی محیط امنیتی منطقه‌ای با استفاده از الگوهای همگرایی و مدیریت امنیت دسته‌جمعی تکیه کند.

از دسته‌بندی منابع می‌توان دریافت که این پژوهش‌ها، موضوع جنگ ترکیبی ایالات متحده با روسیه و تأثیر آن بر چالش امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا را بررسی نکرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر این است که ابزارهای پنج‌گانه ایالات متحده را در جنگ ترکیبی با روسیه و تأثیر آن بر تعمیق و بدتر شدن روابط امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا، مشخص و تحلیل کرده است.

2. چارچوب نظری پژوهش

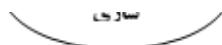
هیچ‌گونه اجماع بین‌المللی‌ای در مورد مفهوم جنگ ترکیبی وجود ندارد، ولی سازمان‌های سیاسی و امنیتی بین‌المللی، از جمله ناتو و اتحادیه اروپا، پذیرفته‌اند که جنگ ترکیبی، مشکلی جدی است. تعریف‌های پرشماری برای این مفهوم ارائه شده است؛ به‌عنوان نمونه، فرانک جی هافمن، تحلیل‌گر برجسته مفهوم جنگ ترکیبی، در سال 2007، جنگ ترکیبی را این‌گونه تعریف کرده است: «تهدیدهایی که طیف گسترده‌ای از شیوه‌های گوناگون جنگ، از جمله قابلیت‌های متعارف، تاکتیک‌ها و شکل‌های نامنظم، و اقدامات تروریستی انجام‌شده توسط دولت‌ها و انواع بازیگران غیردولتی را دربر می‌گیرد» (F.G Hoffman, 2007: 8).

کوریبکو معتقد است که جنگ مستقیم که الگوی حاکم بر نبردها در گذشته بود، با شاخص بمب‌افکن‌ها و تانک‌ها مشخص می‌شد، اما الگوی اعمال شده در سوریه و اکرین توسط آمریکا، نشان می‌دهد که در آینده، جنگ غیرمستقیم با شاخص معترضان و شورشیان، به الگوی حاکم بر رقابت‌ها تبدیل خواهد شد. رسانه‌های اجتماعی، جایگزین سلاح‌های هدایت دقیق خواهند شد. به‌نظر کوریبکو، انقلاب‌های رنگی و جنگ نامتعارف، دو مؤلفه اصلی نظریه جنگ ترکیبی را تشکیل می‌دهند و آمریکا، این روش جدید جنگ غیرمستقیم را اجرا می‌کند (Korybko, A, 2015: 10).

اندرو داووز و ساشا دومینیک باچمن درباره جنگ ترکیبی بر این نظرند که جنگ ترکیبی، مفهوم نوظهوری است که در پژوهش‌های جنگ، به درستی تعریف نشده است. این مفهوم، به استفاده از روش‌های نامتعارف به‌عنوان بخشی از یک رویکرد جنگی چندجانبه اشاره دارد. هدف از به‌کارگیری این روش‌ها، ایجاد اختلال و ناکارآمد کردن اقدامات دشمن، بدون رویارویی و خصومت آشکار است. این نوع جنگ، بیشتر با عنوان منطقه خاکستری و روابط بین صلح و جنگ توصیف می‌شود، زیرا کشورها در پی دستیابی به اهداف خود، بدون عبور از آستانه شروع جنگ متعارف هستند (Bachmann and Gunneriusson, 2015). تحلیل‌گران روسی واژه‌های «نسل جدید جنگ» یا «جنگ غیرخطی» را برای توصیف جنگ ترکیبی به کار می‌برند (Bērziņš and Perry, 2015: 201). نخستین بار ژنرال والرئو گراسیموف، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه، در فوریه 2013، مفهوم جنگ‌های ترکیبی را به‌کار برد و به‌همین دلیل، گاهی رویکرد روسیه در مورد جنگ ترکیبی را به‌اشتباه با عنوان «دکترین گراسیموف» معرفی (مطرح) می‌کنند. گراسیموف نسل جدید جنگ‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند: «استفاده گسترده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، بشردوستانه، و ابزارهای غیرنظامی دیگر که با آشوب مدنی در بین مردم محلی و پنهان کردن نیروهای مسلح تکمیل شده است» (M Galeotti, 2014: 3).

پاتر یک جی. کولین و ریچبورن کی جننیرود نیز جنگ ترکیبی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «استفاده هم‌زمان از چندین ابزار قدرت؛ با پیامدهای اجتماعی گسترده به‌منظور دستیابی به اهداف همه‌جانبه و با حمله به نقاط ضعف دشمن است». نمودار شماره (1) نشان می‌دهد که چگونه بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند ابزارهای قدرت (نظامی، سیاسی، اقتصادی، مدنی و اطلاعاتی (MPECI)¹) را به‌صورت عمودی و افقی برای تأثیرگذاری بر مجموعه‌ای از فعالیت‌های خاص، هماهنگ کند. همچنین، این نمودار نشان می‌دهد که بازیگر جنگ ترکیبی، چگونه می‌تواند با تقویت یک یا چند ابزار قدرت خود، به‌صورت عمودی یا افقی، بر شدت تأثیر ابزارها بیفزاید (Cullen & Reichborn-Kjennerud, 2017: 3, 8)؛ بنابراین، از دیدگاه کولین و جننیرود، جنگ ترکیبی، پنج شاخص (ابزار و بعد) دارد که به‌گونه‌ای ترکیبی و متناسب با بستر و آسیب‌پذیری دشمن، اولویت‌بندی متفاوتی خواهند داشت.

1 Military, Political, Economic, Civilian, Informational (MPECI)



نکته: مخفف شاخص‌ها درون پیکان‌ها آورده شده است.

نمودار 1. شاخص‌ها و ابعاد قدرت در جنگ ترکیبی

Source: Cullen, P. J., & Reichborn-Kjennerud, E, 2017: 9

نکته مهم درباره جنگ‌های ترکیبی این است که در این گونه جنگ‌ها از ابزارهای گوناگون قدرت در ابعاد مختلف و در چندین سطح به گونه‌ای هم‌زمان و هماهنگ استفاده می‌شود. این کار به بازیگر جنگ ترکیبی اجازه می‌دهد که از ابزارهای متفاوت MPECI که در اختیار دارد، برای حمله هماهنگ و همه‌جانبه به نقاط آسیب‌پذیر هدف استفاده کند. ابزار قدرت مورد استفاده، به توانایی‌های بازیگر جنگ ترکیبی، آسیب‌پذیری‌های درک شده از دشمن، اهداف سیاسی بازیگر، و نوع برنامه‌ریزی بازیگر برای دستیابی به آن اهداف بستگی دارد. افزون‌براین، ماهیت جنگ ترکیبی، مانند همه درگیری‌ها و جنگ‌ها، به بستر آن وابسته است (Cullen, & Reichborn-Kjennerud, 2017: 9).

بر اساس آنچه مطرح شد، در این پژوهش برآنیم که با استفاده از تعریف جی کولین و جنیروود از جنگ ترکیبی، نقش ایالات متحده را در چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه بررسی می‌کنیم.

در این راستا، ابتدا چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه و سپس، چالش‌های امنیتی روسیه و ایالات متحده را بررسی خواهیم کرد و در پایان، به موضوع ابزارهای جنگ ترکیبی ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه خواهیم پرداخت.

3. چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه

روابط روسیه و اتحادیه اروپا، طیف گسترده‌ای از موضوع‌ها را دربر می‌گیرد که در چندین سطح، تعامل وجود دارد که نشان‌دهنده رابطه‌ای بالغ و فشرده بین این دو هم‌سایه است. مباحث امنیتی، یکی از موضوع‌هایی است که با چالش‌های بیشتری روبه‌رو بوده و بازتاب‌دهنده درک متحول درباره مسائل امنیتی و همچنین، سرشت جداگانه هر دو بازیگر است. در این بخش، چالش‌های امنیتی میان اتحادیه اروپا و روسیه و واکنش قدرت‌های بزرگ اتحادیه اروپا به این چالش‌ها را بررسی خواهیم کرد.

اتحادیه اروپا، در پی گسترش یک جامعه امنیتی پسامدرن اروپایی به سمت شرق اروپا، و روسیه نیز با - به‌کارگیری طیف گسترده‌ای از ابزارهای سخت و نرم - در پی حفظ یا بازآفرینی حوزه نفوذ سنتی است (Averre, D, 2009: 1690). رخداد جنگ گرجستان در سال 2008، نشان داد که روسیه می‌تواند در برابر چالش‌های ایجادشده در حوزه نفوذ سنتی‌اش، با خشونت واکنش نشان دهد. تصرف کریمه و الحاق آن به روسیه در مارس 2014 و حمایت‌های بعدی از شورشیان شرق اوکراین، یکپارچگی مرزهای سرزمینی اروپا را به چالش کشید.

در پی بروز بحران اوکراین، تصویر روسیه نزد کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شدت تغییر کرد و این کشورها، به‌ویژه اعضای ناتو، روسیه را یک تهدید نظامی در نزدیکی مرزهای خود به‌شمار می‌آورند. کشورهای اروپایی که مرز مشترکی با روسیه دارند و با احتمال حمله این کشور روبه‌رو شده‌اند (به‌ویژه کشورهای حوزه بالتیک و لهستان و تا حدودی فنلاند و نروژ) احساس می‌کنند که با استقرار نیروهای آمریکایی و ناتو در قلمرو خود، می‌توانند این تهدید را برطرف کنند. همسایگان روسیه، از عدم تعادل نظامی بین نیروهای روسی و نیروهای بسیار کوچک‌تر خود و لزوم جبران این عدم تعادل با حمایت ناتو آگاه هستند. این ضعف و ترس کشورهای همسایه روسیه، بستر مناسبی را برای حضور فعال ایالات متحده در اروپای شرقی فراهم کرده است. در مقابل، آن‌دسته از کشورهای

عضو ناتو که مرز مشترکی با روسیه ندارند، تهدید فوری‌ای را از سوی روسیه احساس نمی‌کنند و نگران این هستند که استقرار دائم نیروهای آمریکایی و ناتو در خاک شرقی‌ترین اعضای (ناظر و دائم) ناتو، سبب دشمنی و اقدامات متقابل روسیه شود (Pezard, 2018: x- xi). یکی از مهم‌ترین چالش‌های روسیه برای اتحادیه اروپا، تهدید قلمرو اعضای این اتحادیه است.

برخلاف واکنش‌های منفی فعلی روسیه به گسترش ناتو، این کشور در ابتدا مخالفتی با افزایش همکاری کشورهای پساکمونستی در قالب اتحادیه اروپا نداشت. پس از پذیرش دولت‌های کمونیستی بالتیک و اروپای مرکزی در سازمان ناتو و وقوع انقلاب‌های رنگی در چندین کشور، دیدگاه روسیه تغییر کرد. هنگامی که کشورهای پیرو شوروی سابق، شروع به تجارت با غرب (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) کردند، اتحادیه اروپا و ایالات متحده نیز به گونه‌ای گسترده از جنبش‌های دموکراتیک غرب‌گرا در سرزمین‌هایی مانند گرجستان، اکراین، و قرقیزستان حمایت کردند و در نتیجه، مسکو به رقابت و حتی درگیری با اتحادیه اروپا روی آورد (De Bardeleben 2009; Larivé- Kanet, 2013).

در طول یک دهه گذشته، روابط روسیه با ایالات متحده و اروپا تیره‌تر شده است؛ تاجایی که روسیه برای به چالش کشیدن سیاست‌های غرب، از نیروی نظامی استفاده کرده و ناتو نیز متعهد شده است که حضور نظامی خود را در کشورهایی که با روسیه هم‌مرز هستند، تقویت کند (Kanet, 2017: 1). گسترش ناتو (که بیشتر تحت تأثیر سیاست «مهار روسیه» ایالات متحده است)، یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های اختلاف روسیه و اتحادیه اروپا به شمار می‌آید. روسیه بر این نظر است که گسترش ناتو، روابط این کشور با کشورهای همسایه و امنیت روسیه را تهدید می‌کند؛ حتی اگر غرب (به رهبری ایالات متحده) به روسیه اطمینان دهد که یک ناتوی بزرگ‌تر، دیگر تهدیدی برای این کشور نخواهد بود.

رهبران سیاسی روسیه با شروع ریاست جمهوری پوتین، متقاعد شده‌اند که کشورهای اروپایی و ایالات متحده از طریق گسترش ناتو و اتحادیه اروپا و حمایت از دموکراتیک‌سازی—در حوزه نفوذ روسیه (کشورهای اروپای شرقی) دخالت می‌کنند. جنگ‌های گرجستان و اکراین و الحاق کریمه، نمونه‌های آشکاری از تسلط این دیدگاه (روسیه) و نشان‌دهنده مخالفت و نارضایتی روسیه از نظم امنیتی اروپا پس از جنگ سرد به رهبری ایالات متحده هستند.

گسترش اتحادیه اروپا در اروپای شرقی با گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در فضای پساشوروی و نارضایتی آمریکا از رژیم پوتین پیوند خورده است. در سطح بین‌المللی، بین روسیه و غرب بر سر گسترش ناتو و حوزه‌های نفوذ متضاد در گرجستان، نوعی رقابت ژئوپلیتیکی در حال شکل‌گیری است. قدرت‌های غربی، گذشته از تهاجم و تحقیر کردن روسیه، اولویت‌های این کشور در مورد گسترش ناتو، یوگسلاوی، کوزوو، دفاع موشکی، کنترل تسلیحات هسته‌ای، و موارد دیگر را نادیده می‌گیرند. چنین اقداماتی، تأثیر منفی‌ای بر اوضاع امنیت ملی روسیه گذاشته است. عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو، این مسابقه ژئوپلیتیکی را به نقطه جوش روسیه تبدیل می‌کند. دادن عضویت احتمالی آینده ناتو به اوکراین، به معنای تضعیف چشمگیری توانایی‌های دفاعی روسیه (Hahn, 2017: 50) و شکاف فزاینده در اوکراین نیز نتیجه جنگ ژئوپلیتیکی خشن و مخفیانه بر سر اوکراین بین روسیه و غرب (به‌رهبری ایالات متحده) است.

همه مفاهیم مربوط به روابط اتحادیه اروپا با روسیه — فضاهای مشترک، مشارکت راهبردی، و حتی همکاری برای نوسازی — در ایجاد درک مشترک درباره امنیت، ناتوان بوده‌اند. اتحادیه اروپا برای پشتیبانی از توافق‌نامه مینسک — که در آن مسکو با فرانسه و آلمان معامله می‌کنند — در جبهه نرماندی حضور ندارد (Averre, 2016: 712). این شرایط، نشان‌دهنده این است که روسیه، اتحادیه اروپا را در تأمین امنیت اروپای شرقی و به‌ویژه اوکراین، مرجع و معتبر نمی‌داند و بیشتر، این نهاد را هم‌سو با ایالات متحده به شمار می‌آورد. گسترش ناتو و گسترش اتحادیه اروپا که نتیجه آن، بحران اوکراین و بحران گرجستان است، از جمله چالش‌های امنیتی میان اتحادیه اروپا و روسیه هستند که ایالات متحده با ابزارهای جنگ ترکیبی، در ایجاد و تعمیق آن‌ها نقش جدی‌ای داشته است. در ادامه، روابط سه‌کشوره مهم اتحادیه اروپا (ایتالیا، آلمان، و فرانسه) با روسیه را پس از بحران اوکراین بررسی خواهیم کرد.

4. ایتالیا، آلمان، و فرانسه؛ بهترین شرکای روسیه

در اوت 2014، روسیه واردات برخی مواد غذایی خاص را — به‌ویژه از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، کانادا، استرالیا و نروژ (بعدها به آلبانی، مونته‌نگرو، ایسلند، لیختن‌اشتاین، و اوکراین گسترش یافت) — ممنوع کرد. تحریم روسیه بیشتر از اینکه برای اتحادیه اروپا مهم باشد (زیرا روسیه دومین

بازار مهم محصولات غذایی اروپا است) برای خود روسیه مهم است، زیرا اتحادیه اروپا، تأمین‌کننده اصلی محصولات کشاورزی روسیه است. با این حال، در دنیایی که به گونه‌ای فزاینده جهانی شده و به هم پیوسته است، حفظ بده‌بستان‌های سیاسی و اقتصادی، ضروری به نظر می‌رسد. در واقع، با وجود تحریم‌ها، کشورهای عضو، به روابط باز با روسیه و انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه ادامه داده‌اند. در ادامه، روابط دوجانبه ایتالیا و روسیه، آلمان و روسیه، و فرانسه و روسیه را به عنوان سه کشوری که حتی پس از الحاق کریمه از سوی روسیه، روابط بسیار خوبی با روسیه داشته‌اند را به گونه‌ای مختصر بررسی خواهیم کرد.

ایتالیا، همیشه با مسکو روابط مؤثری داشته و روسیه، با وجود رخدادهای اکرین، برای ایتالیا، یک شریک مهم باقی مانده است. دو کشور، روابط اقتصادی و انرژی خود را حفظ کرده و منافعشان را در موارد مهمی، مانند امنیت در مناطق بحرانی، به ویژه در شمال آفریقا، همگرا می‌کنند. بر پایه اعلام وزارت توسعه اقتصادی ایتالیا، در سال 2018، ایتالیا، ششمین کشور تأمین‌کننده کالا برای روسیه بوده است. پس از سال 2013، صادرات ایتالیا به روسیه سه میلیارد یورو در سال کاهش یافت، اما در سال 2017، یک نقطه عطف وجود داشت؛ صادرات ایتالیا به روسیه 19.3٪ و سرمایه‌گذاری‌ها از 27 به 36 میلیارد یورو افزایش یافت (www.iai.it). این روند مثبت به این دلیل است که بسیاری از شرکت‌های ایتالیایی، با هماهنگی با نظام تحریم‌ها، شروع به صادرات به کشورهای مانند صربستان یا بلاروس کردند و در آنجا، محصولات ایتالیا را به روسیه می‌فروشنند. بنگاه‌های اقتصادی دیگر با استفاده از معافیت مالیاتی برای حمایت از صنایع محلی، محصولات خود را به طور مستقیم در روسیه تولید می‌کنند. افزون‌براین، در سال 2016، ایتالیا در مجمع سن پترزبورگ، توافق‌نامه‌هایی را به ارزش بیش از یک میلیارد یورو با روسیه امضا کرد¹. در سال 2018، توافق‌نامه‌های مهمی در بخش انرژی، زیرساخت‌های انرژی بادی، و تحقیق و توسعه فناوری منعقد شد. افزون‌براین، در سپتامبر 2018، در نخستین سفر رسمی نخست‌وزیر ایتالیا، جوزپه کونته، به مسکو، 13 موافقت‌نامه به ارزش حدود 1.5 میلیارد یورو امضا شده است (www.iai.it). بر این اساس، روابط تجاری روسیه و ایتالیا، زیاد از رخدادهای اکرین تأثیر نپذیرفته است.

1 همچنین در سال 2017، همکاری در زمینه برق سبب ایجاد توافق‌هایی بین انل و روسیتی (Enel , Rosseti) در مورد راه‌حل‌های نوآورانه برای شبکه برق قدرت پیشرفته شد.

آلمان، الحاق کریمه را تأیید نکرد و اقدامات محدودکننده‌ای را علیه روسیه تصویب کرد. آنگلا مرکل، از ابتدا، خواستار مقابله با سیاست مسکو در اکرین شد (www.carnegie.ru). با این حال، به دلیل خط لوله نورد استریم¹، وضعیت در آلمان بسیار دشوار است. نورد استریم 2، طولانی‌ترین خط لوله گاز دریایی جهان خواهد بود که گاز طبیعی (متان) را در مسیری 1230 کیلومتری، از سواحل بالتیک روسیه تا گریفسوالد²، در آلمان (جایی که چندین دورتر از خروجی نورد استریم 1) حمل می‌کند. در آنجا خط لوله به شبکه توزیع گاز اتحادیه اروپا متصل خواهد شد و سپس از دریای بالتیک در آب‌های سرزمینی روسیه، فنلاند، سوئد، دانمارک، و آلمان عبور خواهد کرد. در طول کنفرانس بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ، در ژوئن 2015، سه شرکت انرژی اروپا — E.ON (آلمانی)، OMV (اتریشی)، و رویال هلندی شل (انگلیس-هلندی) — با بزرگ‌ترین شرکت انرژی روسی یعنی گازپروم به توافق رسیدند تا این خط لوله را بسازند. کشورهای شرقی اتحادیه اروپا، همواره با ساخت این خط لوله مخالف بودند، زیرا بر پایه گفته‌های آن‌ها، این طرح از تاکتیک‌های روسیه برای مجازات اکرین بود. این همکاری آلمانی-روسی، نه تنها بر اکرین تأثیر می‌گذارد، بلکه قدرت مالی کرملین را نیز ارتقا می‌بخشد. نورد استریم 2 به مسکو کمک می‌کند تا موقعیت خود را به عنوان تأمین‌کننده اصلی گاز در اروپا تثبیت کند (در حال حاضر، 41 درصد از گاز وارد شده به اروپا از روسیه است). در سال 2017، شرکت‌های آلمانی، کالاهایی به ارزش 25.8 میلیارد یورو را به روسیه (رقمی بیشتر از سال 2016) صادر کردند، اما هنوز، فاصله زیادی با نقطه اوج پیش از تحریم‌ها دارند. آلمان، شروع به ترک تدریجی انرژی هسته‌ای کرده و هم‌اکنون، به طور رسمی از ساخت این خط لوله گازی — که برای تأمین نیازهای انرژی این کشور ضروری است — حمایت می‌کند (www.ft.com). این طرح بزرگ گازی میان روسیه و آلمان و نیاز شدید آلمان به گاز روسیه، شکاف عمیقی را بین آلمان و ایالات متحده در برابر روسیه ایجاد می‌کند. آلمان، حاضر نیست برای مهار روسیه دست از این طرح بکشد و پایان این طرح به روسیه، کارت بازی قدرتمندی می‌دهد.

الحاق کریمه، تأثیر سیاسی بسیار شدیدی بر فرانسه داشت. با این حال، مقامات این کشور، گفت‌وگوهای بسیار منظمی را با روسیه — به ویژه برای حل بحران اکرین — انجام می‌دهند

1. Nord stream

2. Greifswald

(www.diplomatie.gouv.fr). در مه 2018، در طول سفر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، به مسکو، 50 توافق‌نامه و قرارداد، امضا شد که مهم‌ترین آن‌ها، سرمایه‌گذاری دو میلیارد یورویی شرکت توتال با سهم 10 درصدی در طرح جدید عظیم گاز طبیعی مایع در قطب شمال روسیه است. همچنین، این شرکت فرانسوی می‌تواند ششمین شرکتی باشد که در طرح روسی خط لوله گاز نورد استریم 2 شرکت می‌کند (www.francais.rt.com). در دسامبر 2018، برونو لومایر، وزیر امور اقتصادی و دارایی فرانسه، در جلسه شورای اقتصادی، مالی، صنعتی، و تجاری در پاریس با ماکسیم اورشکین¹، وزیر توسعه اقتصادی روسیه دیدار کرد. در طول جلسه، درباره زمینه‌های اصلی روابط اقتصادی دوجانبه فرانسه و روسیه بحث‌هایی انجام شد و چندین توافق‌نامه همکاری بین دو دولت، همچنین، بین شرکت‌ها، امضا شد. دو وزیر، چندین قرارداد امضا کردند که دربردارنده 30 طرح اساسی برای تقویت روابط اقتصادی بود (www.tresor.economie.gouv.fr).

با توجه به موارد مطرح‌شده، به نظر می‌رسد، در سطح سیاسی، اقتصادی، و امنیتی، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن در دو خط موازی قرار دارند. روابط با روسیه، یکی از دلایل اصلی ناهماهنگی اهداف اروپایی و منافع ملی است. هنگامی که کشورهای عضو در چارچوب شورای اتحادیه اروپا عمل می‌کنند، آن‌ها از یک خط‌مشی منسجم پیروی می‌کنند. اگرچه با منافع متفاوت، همه کشورهای موافقت خود را با تمدید تحریم‌ها علیه روسیه اعلام می‌کنند. درعین حال، هر کشوری، به‌ویژه ایتالیا، آلمان، و فرانسه، با توجه به رابطه تاریخی خود با روسیه، سیاست‌های همکاری دوجانبه را توسعه می‌دهد. این دو نوع رفتار متفاوت سه کشور فرانسه، آلمان، و ایتالیا در روابط دوجانبه با روسیه و در قالب اتحادیه اروپا با روسیه، نشان‌دهنده نفوذ و قدرت گسترده هژمونی ایالات متحده در اتحادیه اروپا است. مسائل اوکراین و گرجستان، به شدت در برنامه مهار روسیه ایالات متحده اهمیت دارد. ایالات متحده، برای مهار روسیه باید اتحادیه اروپا و ناتو را در کنار خود داشته باشد. در بخش بعدی چالش‌های امنیتی میان ایالات متحده و روسیه را بررسی خواهیم کرد.

1 Maxim Oreshkin

5. چالش‌های امنیتی ایالات متحده و روسیه

ایالات متحده و روسیه، درگیر رویارویی پیچیده‌ای هستند. روسیه، برتری آمریکا و سیاست یکجانبه این کشور را انکار می‌کند و ایالات متحده نیز از پذیرش روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی، خودداری می‌کند، وضعیت روسیه را تضعیف می‌کند، و روسیه را به‌دلیل جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی‌اش سرزنش می‌کند (Orlova, 2020: 118). آدومیت و همکارانش بر این نظرند که وضعیت روسیه در گفتمان آمریکایی — به‌عنوان دشمن ژئوپلیتیکی شماره یک ایالات متحده — آن‌گونه که سیاستمداران ایالات متحده از جمله میت رامنی¹ آن را توصیف می‌کنند، به‌سختی قابل‌باور است. این سیاستمداران درباره‌ی توانایی‌های روسیه و تهدیدی که این کشور برای منافع ایالات متحده ایجاد می‌کند، اغراق می‌کنند. تنها یک بُعد از قدرت روسیه، یعنی سلاح‌های هسته‌ای، تهدید وجودی واقعی‌ای برای ایالات متحده است. ظهور فناوری‌ها و سلاح‌های جدید، به‌ویژه در فضای مجازی، طیف گسترده‌ای از تهدیدهای جدید و بالقوه بسیار خطرناک روسیه را برای ایالات متحده ایجاد می‌کند (Adomeit, 2019, 245)، اما دگرگونی‌های نوین در ماهیت جنگ و تهدیدها و پیدایش جنگ هیبریدی، توانایی روسیه را برای به‌چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده افزایش داده است.

ایالات متحده و روسیه، در دو مجموعه منطقه‌ای اروپای شرقی و خاورمیانه، با یکدیگر چالش امنیتی دارند: ایالات متحده در اروپای شرقی، با گسترش مؤسسه‌های امنیتی غرب (ناتو و اتحادیه اروپا) در همسایگی روسیه، با تجدید حیات روسیه مقابله می‌کند. در اروپای شرقی، یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دوقطبی ژئوپلیتیکی (یعنی فاقد معماری امنیتی توافق‌شده) ایجاد شده است که دیوید لیک، آن را ناپایدارترین نوع مجموعه امنیتی توصیف می‌کند. بحران اوکراین، نمونه آشکاری از این‌گونه رقابت‌ها است (Smith, 2020: 34-35)؛ بنابراین، کشورهای اروپای شرقی به‌صحنه اصلی رقابت ایالات متحده و روسیه تبدیل شده‌اند. در بخش بعدی، نحوه استفاده آمریکا از ابزارهای پنج‌گانه جنگ ترکیبی (موردنظر کولین و جنیروود) برای مهار روسیه در اروپای شرقی را بررسی کرده‌ایم.

1 Willard Mitt Romney

6. ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا برای تأثیرگذاری بر چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه پاتریک جی. کولین و ریچمورن کی جننیرود، جنگ ترکیبی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «استفاده هم‌زمان از چندین ابزار قدرت با پیامدهای اجتماعی گسترده به منظور دستیابی به اهداف همه‌جانبه و با حمله به نقاط ضعف دشمن است. بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند ابزارهای قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، مدنی، و اطلاعاتی خود را به‌گونه‌ای عمودی و افقی برای تأثیرگذاری بر مجموعه‌ای از فعالیت‌های خاص، هماهنگ سازی کند. همچنین، می‌تواند با افزایش شدت یک یا چند ابزار قدرت، به صورت عمودی یا افقی عمل کند و موجب آسیب‌پذیری بیشتر دشمن شود» (Cullen, & Reichborn-Kjennerud, 2017: 3, 8). ایالات متحده در دوره موردبررسی با ابزارهای گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، مدنی، و اطلاعاتی (ابزارهای جنگ ترکیبی)، به‌ویژه پس از بحران سال 2014 اوکراین، در تداوم و تشدید چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا نقش داشته است که در ادامه این ابزارهای قدرت را بررسی کرده‌ایم.

ابزار قدرت نظامی: اگرچه توان نظامی روسیه با قدرت نظامی ایالات متحده قابل مقایسه نیست، اما روسیه هنوز می‌تواند به لحاظ نظامی، تهدید جدی‌ای برای ایالات متحده باشد. ایالات متحده در جنگ ترکیبی با روسیه از توان نظامی خود استفاده می‌کند؛ هرچند تاکنون از درگیری نظامی پرهیز کرده است. روسیه در برابر ایالات متحده از چندین ویژگی مهم برخوردار است؛ به‌عنوان نمونه، در سال 2015، سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده، روسیه را به‌عنوان منبع اصلی تهدیدهای سایبری در جهان معرفی کرده‌اند که در جنگ الکترونیکی، موفق شده است سامانه‌های ارتباطی سربازان آمریکایی مستقر در سوریه را مختل کند. همچنین، به‌نظر می‌رسد، ایالات متحده قادر به مهار نسل جدید سلاح رونمایی شده توسط ولادیمیر پوتین در مارس 2018 نباشد. در اوت 2018، رفتار غیرمعمول یک ماهواره روسی این گمان را ایجاد کرد که روسیه می‌تواند از آن به‌عنوان سلاح فضایی برای از بین بردن ماهواره‌های دیگر (ایالات متحده) استفاده کند (Russell, 2018: 9).

در سطح راهبردی، نیروهای متعارف ایالات متحده و ناتو به لحاظ کیفیت و کمیت نسبت به روسیه برتری دارند؛ به‌همین سبب، حمله و جنگ متعارف روسیه علیه ناتو بعید به‌نظر می‌رسد. با این حال، روسیه در سطح موازنه محلی در جبهه شرقی ناتو از برتری نظامی برخوردار است و

به سبب استقرار پایگاه‌های روسیه در کالینینگراد¹، ایالات متحده و ناتو برای افزایش نیروهای نظامی خود در این منطقه، با بحران روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد در حالت بحرانی، نیروهای روسی بتوانند طی چند روز بر کشورهای بالتیک غلبه کنند (Da Shlapak, 2016: 8). این شکنندگی نیروی ایالات متحده در اروپای شرقی در بُعد نظامی، به شدت کشورهای حوزه بالتیک را نگران کرده است. انفعال نظامی ایالات متحده و متحدانش در برابر حمله روسیه به گرجستان در سال 2008 و الحاق کریمه به روسیه در سال 2014، نشان‌دهنده ضعف ابزار نظامی ایالات متحده در اروپای شرقی در برابر روسیه است.

بر پایه برآوردهای هایکس و همکارانش از قدرت نظامی روسیه و ایالات متحده و متحدانش، اگر در کشورهای بالتیک درگیری و جنگی رخ دهد، احتمالاً ایالات متحده و ناتو در 90 روز نخست، جنگ را می‌بازند، اما در 90 روز دوم، تقریباً پیروز می‌شوند. نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا، تنها بخش کوچکی از کل ارتش ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. با این حال، به کارگیری این نیروها، زمان زیادی می‌برد. هایکس و همکارانش با محاسبه 9 شاخص قدرت نظامی (ضربه دقیق؛ برتری هوایی؛ دفاع هوایی و موشکی یکپارچه؛ نیروی دریایی و قابلیت‌های دریایی؛ نیروی زمینی و جنگ‌افزارهای ترکیبی؛ نیروهای عملیات ویژه؛ جاسوسی، نظارت، و شناسایی؛ جنگ الکترونیکی؛ و جنگ سایبری) ایالات متحده و متحدانش به این نتیجه رسیده‌اند که ابزارهای سیاسی و اقتصادی در دسترس ایالات متحده، بسیار قدرتمندتر و گسترده‌تر از ابزار نظامی آن است. با این حال، این ابزارهای قدرت، هنوز به طور کامل برای مهار روسیه استفاده نشده‌اند. روسیه، ابزارهای جدید خود را برای بهره‌برداری از نقاط ضعف احتمالی ایالات متحده بازسازی کرده است و به گونه‌ای فزاینده، مایل و قادر به انجام اقدامات قهرآمیز (از جمله نیروی نظامی) برای پیشبرد منافع خود است (Hicks, & Samp, 2017: 104, 135). هر چند ابزار قدرت نظامی ایالات متحده بر قدرت روسیه برتری دارد، ولی در جنگ ترکیبی ایالات متحده در اروپای شرقی، نقش کم‌رنگی ایفا می‌کند.

• **ابزار قدرت سیاسی:** ابزار سیاسی و دیپلماتیک، مهم‌ترین اهرم تأثیرگذار بر مدیریت روابط کلی ایالات متحده با روسیه است. روسیه، به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل

1 منطقه‌ای بین کشور لیتوانی و لهستان که از خاک اصلی روسیه جدا است و حدود 300 کیلومتر با روسیه فاصله دارد. نزدیکی به اروپا و وجود پایگاه‌های روسیه در آن، قدرت مانور قابل توجهی به روسیه می‌دهد.

متحد، قادر است قطعنامه‌هایی را که ایالات متحده و متحدانش ارائه می‌کنند، وتو کند. ابزارهایی مانند تحریم‌های دیپلماتیک و سیاست عدم شناسایی، بخشی از ابزار قدرت سیاسی به‌شمار می‌آیند. تحریم‌های دیپلماتیک، ابزاری متداول است که هم ایالات متحده و هم روسیه برای بیان مخالفت خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. این تحریم‌ها می‌توانند در بردارنده لغو جلسه‌ها، تبادلات، اخراج یا فراخوان دیپلمات‌ها، قطع راه‌های ارتباطی، کاهش روابط دیپلماتیک، و اقدامات دیگر باشند؛ بنابراین، تحریم دیپلماتیک ممکن است شمشیر دولبه‌ای باشد که سازوکارهای سنتی برای بحث و گفت‌وگو درباره اختلاف‌ها و درگیری‌ها را تضعیف کند. (Hicks, & Samp, 2017: 91).

در پی تجاوز روسیه به اوکراین، ایالات متحده، تحریم‌های دیپلماتیکی را علیه روسیه وضع، و ارتباط مقامات بالای حکومتی را تعلیق کرد. این تحریم‌ها، حتی کمیسیون دوجانبه ریاست جمهوری روسیه و ایالات متحده — که اوپاما و مدودف در سال 2009 به‌عنوان سازوکار دوجانبه رسمی‌ای برای مدیریت جنبه‌های گوناگون روابط دو کشور تأسیس کرده بودند — را نیز دربر می‌گرفت. همچنین، روسیه، در راستای تحریم دیپلماتیک، به گروه G-8 دعوت نشد. در اواخر دسامبر 2016، اوپاما در واکنش به دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، 35 دیپلمات روسی و مأمور اطلاعاتی روس را از آمریکا اخراج کرد (Sanger, 2016: 1).

افزون‌براین، ایالات متحده، سیاست عدم شناسایی را در برابر الحاق کریمه به روسیه در پیش گرفته و همچنین از به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان سر باز زده است. این مواضع، نشانه‌های قدرتمندی را از سیاست بلندمدت آمریکا در راستای پرهیز از به رسمیت شناختن تغییرات سرزمینی مبتنی بر اعمال زور، به روسیه مخابره می‌کند. در این زمینه اوپاما، محدودیت‌هایی را برای تعامل با مقامات کریمه اعمال کرده است (Hicks, & Samp 2017: 92). روسیه در برابر ابزار قدرت سیاسی ایالات متحده آسیب‌پذیر است و ایالات متحده نیز به‌خوبی از این ابزار بهره می‌برد.

• **ابزار قدرت اقتصادی:** قدرت اقتصادی روسیه در مقایسه با ایالات متحده و متحدان و شرکای اروپایی‌اش بسیار ناچیز است. ناکامی روسیه در یافتن گزینه‌های اقتصادی مؤثر به‌جای اروپا، به این معنا است که پوتین، دیر یا زود، نیازمند برقراری دوباره روابط تجاری و دسترسی به بازارهای سرمایه غرب خواهد بود. ابزار اقتصادی ایالات متحده — از جمله تحریم‌های اقتصادی، سیاست

تجاری، سیاست سرمایه‌گذاری، و سیاست انرژی — مزیت نامتقارن و اهرمی است که همچنان در رویکرد راهبردی ایالات متحده در برابر روسیه به کار گرفته می‌شود (Hicks & Samp, 2017: 94).

تحریم‌های اقتصادی، از زمان آغاز بحران اوکراین، نقش مهمی در سیاست ایالات متحده در قبال روسیه داشته‌اند و سبب افزایش فشار اقتصادی شکننده به روسیه و افزایش تنش با مسکو شده‌اند (Weiss & Nephew, 2016: 86). چند دهه تحریم دقیق و حساب‌شده، سازوکار تحریم را از ابزار قهری اقتصادی به ابزار بسیار دقیقی تبدیل کرده است که می‌توان از آن علیه شرکت‌ها، گروه‌ها، و افراد خاص خارجی استفاده کرد. سیاست‌گذاران ایالات متحده، مجموعه‌ای از گزینه‌های تحریم اقتصادی (از تحریم‌های هوشمند علیه افراد و نهادهای خاص تا تحریم‌های گسترده‌ای که می‌توانند همه فعالیت‌های اقتصادی را محدود کنند) را در اختیار دارند (Hicks & Samp, 2017: 95).

دولت او‌باما در پاسخ به تصرف کریمه در اوپای شرقی، در اواسط مارس 2014، برای نخستین بار، تحریم‌های هوشمندی را علیه روسیه وضع کرد و با گسترش تجاوز مسکو به شرق اوکراین، بر سطح، دامنه، و شدت این تحریم‌ها افزود. تحریم‌های فعلی ایالات متحده (در برابر بحران اوکراین)، علیه روسیه عبارتند از: 1) مسدود کردن دارایی و ممنوعیت سفر نزدیکان و مقامات نزدیک به پوتین که در جنگ اوکراین نقش داشته‌اند؛ 2) مسدود کردن دارایی و محدود سازی معاملات با مشاغل خاص دارای روابط نزدیک با کرملین؛ 3) ممنوعیت معاملات مالی با برخی شرکت‌های مالی، انرژی، و دفاعی روسیه؛ 4) ممنوعیت صادرات فناوری، کالاها، و خدمات به بخش صنعت نفت روسیه؛ 5) محدودیت در زمینه دفاعی و صادرات کالاهای دارای استفاده دوگانه به روسیه؛ و 6) ممنوعیت کامل معاملات با کریمه تحت اشغال روسیه (Rebecca 2016: 6). تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه، در رابطه با بحران اوکراین، بخشی از رژیم تحریم‌های ایالات متحده به شمار می‌آیند. او‌باما، در پاسخ به رفتار مداخله‌گرانه روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال 2016، تحریم‌های اقتصادی جدیدی را علیه GRU¹ و FSB²، چهار مقام اطلاعاتی روسی، و چندین شرکت فناوری این کشور وضع کرد (www.obamawhitehouse.archives.gov).

1 Main Intelligence Directorate (GRU)

2 Federal Security Service (FSB)

با وجود تأثیر تحریم‌های مربوط به اکرین، ایالات متحده و روسیه، تجارت دوجانبه خود را با ارزش حدود 23 میلیارد دلار در سال 2015، حفظ کردند. ایالات متحده، ششمین شریک تجاری بزرگ روسیه و منبع اصلی تأمین اعتبار و سرمایه‌گذاری خارجی برای روسیه است. سیاست تجارت و سرمایه‌گذاری ایالات متحده در قبال روسیه، در سال‌های اخیر، دستخوش تغییرات بنیادینی شده است. در سال 2012، دولت اوپاما و کنگره با یکدیگر همکاری کردند تا به آخرین محدودیت‌های تجاری دوران جنگ سرد (بر پایه مصوبات جکسون-وانیک) پایان داده و روابط تجاری عادی را با مسکو گسترش دهند. با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی ایالات متحده و روسیه، تحریم‌ها سبب کاهش تجارت دوجانبه (تقریباً 40 درصد بین سال‌های 2013 تا 2015) شد. اقتصاد روسیه به دسترسی به سرمایه و تأمین اعتبار کشورهای غربی وابسته است. در حالی که همه راه‌های دسترسی به سرمایه و اعتبار، تحت تأثیر تحریم‌های جاری قرار نگرفته‌اند، خطر اعمال تحریم‌های جدید، بر بازارهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی تأثیرگذار بوده و سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در روسیه را به‌گونه‌ای چشمگیر، کاهش داده است (Hicks & Samp, 2017: 101).

روسیه، بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی جهان و دارای ذخایر عظیم نفت و گاز طبیعی است. این کشور برای افزایش رشد اقتصادی و پر کردن خزانه دولتی، به شدت به صادرات هیدروکربن‌ها - نفت خام و گاز طبیعی - وابسته است. همچنین، کرملین همواره از وابستگی همسایگان خود به انرژی روسیه به‌عنوان اهرمی سیاسی استفاده می‌کند. با این حال، اهمیت انرژی برای اقتصاد و سیاست خارجی روسیه، اهرم‌هایی را در اختیار ایالات متحده و متحدانش نیز قرار می‌دهد. ایالات متحده، بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی در جهان (با احتساب زغال‌سنگ) و بازیگر اصلی بازارهای جهانی انرژی است. سیاست‌گذاران ایالات متحده آمریکا، گزینه‌های گوناگونی را در اختیار دارند که می‌توانند از آن‌ها برای فشار یا همکاری با روسیه استفاده کنند.

ایالات متحده و اتحادیه اروپا، در پاسخ به بحران اکرین - به‌عنوان اصلی‌ترین چالش امنیتی میان روسیه و اتحادیه اروپا - تحریم‌های هدفمندی را بر چهار شرکت بزرگ انرژی روسیه، یعنی نواتک، روس‌نفت، ترانس‌نفت، و گازپروم نفت¹ (شرکت تابعه گازپروم)، اعمال کرده‌اند. این

1 Novatek, Rosneft, Transneft, and Gazprom Neft

تحریم‌ها، افزون‌بر ممنوعیت صادرات برخی خدمات و فناوری‌های پیشرفته، دسترسی این شرکت‌ها به بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری ایالات متحده را نیز محدود کرده است؛ به‌عنوان نمونه، معاملات بزرگ مشترک این شرکت‌ها با اکسون‌موبایل و دیگر شرکت‌های بزرگ نفتی غرب را متوقف کرده است تا از شرکت‌های نفتی دولتی روسیه — که در حال توسعه میدان‌های نفتی زیر دریا در قطب شمال، دریای سیاه، و جاهای دیگر هستند — حمایت نشود (www.politico.com). ابزار قدرت اقتصادی ایالات متحده در جنگ ترکیبی، روسیه را به شدت تضعیف کرده است و این کشور، در صورت هماهنگی آمریکا با اتحادیه اروپا در این زمینه، ضعیف‌تر خواهد شد.

• ابزار قدرت مدنی: ابزار قدرت مدنی یا دیپلماسی عمومی، ابزار دیگری است که روسیه، در مقایسه با ایالات متحده، در آن ضعف‌هایی دارد. سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران مستقل توسط حکومت پوتین، فضای اطلاع‌رسانی بسته و فضایی زیر سلطه رسانه‌های وابسته به کاخ کرملین را ایجاد کرده است. دیپلماسی عمومی ایالات متحده، ابزار مهمی است که این کشور می‌تواند برای رساندن اطلاعات واقعی به مردم روسیه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود از آن استفاده کند. به‌کارگیری دیپلماسی عمومی، بخشی از رویکرد ایالات متحده در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق در طول جنگ سرد بود، که بیشتر از طریق آژانس اطلاعاتی ایالات متحده (USIA)¹ انجام می‌شد. امروز، بنگاه دولتی خبرپراکنی (BBG)²، نهاد فدرال مستقلی است که صدای آمریکا، رادیو اروپای آزاد، و رادیو آزادی را برای مردم کشورهای دیگر، از جمله در روسیه و کشورهای دیگر پسا شوروی، پخش می‌کند. دیپلماسی عمومی، بخش‌های دیگری مانند آموزش و تبادل فرهنگی و دیپلماسی فردی در وزارت امور خارجه و سازمان توسعه بین‌المللی ایالات متحده را نیز دربر می‌گیرد (Matthew, 2016: 15).

دیپلماسی عمومی و ابزارهای دیگر اطلاع‌رسانی، در ارائه اطلاعات به مخاطبان روسی و کشورهای دیگر، در راستای بی‌اعتبار کردن تبلیغات و اطلاعات نادرست کرملین، موفق بوده‌اند. ضبط مستقیم و زنده در رویارویی با موجی از منابع اطلاع‌رسانی نادرست مستقیم و غیرمستقیم، توانست در موارد خاصی با افشای اطلاعات، روسیه را وادار به دفاع از ادعاهایش کند (Paul &

1 United States Information Agency

2 Broadcasting Board of Governors

(Matthews, 2016: 9)؛ به عنوان مثال، انتشار عکس‌های ماهواره‌ای ایالات متحده و ناتو که نشان می‌داد، نیروهای نظامی روسی در داخل اکراین می‌جنگند، شواهد انکارناپذیری را به رسانه‌های جهانی ارائه داد که مشخص می‌کرد، روسیه در مورد عدم دخالت خود در درگیری اکراین صادق نیست (www.nato.int). رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی، ابزار مدنی قدرتمندی در اختیار ایالات متحده هستند که سبب تضعیف روسیه و جبهه‌گیری افکار جهانی علیه این کشور و یکپارچگی اتحادیه اروپا برای تمدید تحریم‌ها علیه روسیه شده‌اند.

• ابزار قدرت اطلاعاتی: زیرشاخه‌های ابزار قدرت اطلاعاتی عبارتند از: توانایی جاسوسی، نظارت، و شناسایی^۱؛ جنگ الکترونیکی؛ و جنگ سایبری.

— توان جاسوسی، نظارت، و شناسایی: بخش اصلی ابزار قدرت اطلاعاتی را می‌توان در توانایی جاسوسی، نظارت، و شناسایی خلاصه کرد. قابلیت‌های جاسوسی، نظارت، و شناسایی، پایه و بنیان روش جنگ جدید به شمار می‌آیند. در سال‌های اخیر، از دیدگاه عموم مردم، قابلیت‌های جاسوسی، نظارت، و شناسایی ایالات متحده، به معنای تهیه ویدیوهای زنده از میدان‌های نبرد دوردست و حمله هواپیماهای بدون سرنشین به تروریست‌ها بوده است. قدرت جاسوسی، نظارت، و شناسایی، طیف گسترده‌ای از سامانه‌ها و قابلیت‌ها، ابزارهای گردآوری اطلاعات (از جمله هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین، ماهواره‌های شناسایی و ابزارهای هوایی، زمینی، دریایی، و سایبری دیگر)، حسگرها، اتصال‌دهنده داده، نیروهای انسانی و قابلیت‌های تحلیلی‌ای که داده‌های خام را به اطلاعات عملی برای سربازان تبدیل می‌کند، را دربر می‌گیرد. جاسوسی، نظارت، و شناسایی، نه تنها برای نظارت آمریکا و متحدانش بسیار مهم است، بلکه منابع و روش‌های گوناگونی از جمله منابع انسانی، سیگنال‌ها، موقعیت مکانی، تصویرها، و شکل‌های دیگر اطلاعات را با هم ترکیب، و تصویر واقعی رویدادهای جهانی و نیروهای شکل‌دهنده آن‌ها را برای سیاست‌گذاران ترسیم می‌کند. این توانایی، بر سیاست‌ها و راهبردهای اعمال‌شده در مدیریت و دفاع از منافع ایالات متحده تأثیر می‌گذارد (Hicks, & Samp, 2017: 127).

1. Intelligence, Surveillance, and Reconnaissance (ISR)

ایالات متحده و متحدانش برای جاسوسی، نظارت، و شناسایی و همچنین، فعال کردن ارتباطات نظامی جهانی به ماهواره‌ها وابسته‌اند؛ سامانه‌هایی که در برابر قابلیت‌های ضدفضایی روسیه آسیب‌پذیر هستند. روسیه، قابلیت‌های ضدفضایی و ضدحرکتی‌ای مانند سامانه‌های متراکم زمینی را برای غیرفعال کردن حسگرهای ماهواره‌ای و لیزر به‌منظور ایجاد اختلال در این گونه حسگرها توسعه داده است (www.defense-update.com). همچنین، اعتقاد بر این است که روسیه، در حال تولید سلاح‌های ضدماهواره‌ای است (Hicks & Samp, 2017: 127). این سلاح جدید می‌تواند سبب تخریب قابلیت جاسوسی، نظارت، و شناسایی ایالات متحده شود.

در حوزه جاسوسی، نظارت، و شناسایی، ارتش ایالات متحده دارای ناوگان قدرتمندی از هواپیماهای بدون‌سرنشین و تعداد کمتری هواپیماهای سرنشین‌دار و همچنین، امکانات فضایی است. نیروی هوایی ایالات متحده تقریباً 450 هواپیمای جاسوسی، نظارت، و شناسایی را در اختیار دارد که از این تعداد، حدود 360 مورد، هواپیمای بدون‌سرنشین است. همچنین، گزارش شده است که هواپیماهای راهبردی‌ای مانند "RQ-170 Sentinel" نیز در راستای جاسوسی، نظارت، و شناسایی فعالیت می‌کنند. هواپیماهای جاسوسی، نظارت، و شناسایی تاکتیکی و عملیاتی، مواردی مانند "MQ-1 Predator" و "MQ-9 Reaper" (هردوی این‌ها می‌توانند مسلح باشند)، انواع دیگر سیستم‌های بدون‌سرنشین و سرنشین‌دار، و هوایی راهبردی‌ای مانند هواپیماهای "RQ-4 Global Hawk" و هواپیماهای سرنشین‌داری مانند انواع "U-2"، "RC-135" و "E-8 JSTARS" را دربر می‌گیرند که عمدتاً در طول جنگ سرد توسعه یافته‌اند. افزون‌براین، ایالات متحده تعداد محدودی هواپیمای خاص را برای انجام مأموریت‌های جاسوسی، نظارت، و شناسایی (بیشتر برای گردآوری اطلاعات راهبردی) از محیط‌های غیرمجاز، ساخته و در حال توسعه دادن آن‌ها است. هواپیمای جنگنده نسل پنجم، مانند F-35 — که توسط ایالات متحده و چندین متحد ناتو به‌میدان آمده است — دارای قابلیت‌های چشمگیری است که توان جاسوسی، نظارت، و شناسایی دقیق و هدفمند را در مناطق مورد مناقشه با روسیه (به‌ویژه در اروپای شرقی) تقویت می‌کند. هواپیمای بمب‌افکن آینده ایالات متحده، یعنی "B-21 Raider" نیز ممکن است از این لحاظ دارای قابلیت‌های چشمگیری باشد (Wood, 2016: 248-249). توان جنگ اطلاعاتی ایالات متحده در برابر روسیه بسیار بالا است و تحرک نیروهای روسی را به‌شدت زیر نظر دارد.

— جنگ الکترونیکی: استفاده از طیف الکترومغناطیسی¹ (EMS) به نیروهای ایالات متحده و ناتو اجازه می‌دهد که با سرعت و دقت عمل کنند. سرمایه‌گذاری‌های جدید روسیه در راستای افزایش قابلیت‌های جنگ الکترونیکی، توانایی‌های مهم ایالات متحده (از جمله ارتباطات یکپارچه، سلاح‌های دقیق، و سامانه‌های بدون سرنشین)، را که به طیف الکترومغناطیسی متکی هستند، به خطر می‌اندازد. در حالی که توانایی روسیه در حوزه قابلیت‌های جنگ الکترونیکی دو برابر شده است، توانایی‌ها و تخصص‌های ویژه جنگ الکترونیک در ایالات متحده و نیروهای ناتو برای جنگ نهایی الکترونیکی در برابر روسیه، به گونه‌ای چشم‌گیر کاهش یافته است (www.breakingdefense.com)؛ در نتیجه، عملکرد ایالات متحده در جنگ ترکیبی در این حوزه نسبت به روسیه ضعیف است و روسیه در مقابل این ابزار ایالات متحده چندان آسیب‌پذیر نیست.

— حوزه سایبری: قلمروی است که تنش و رقابت بین روسیه و ایالات متحده در آن در حال افزایش است. برای ایالات متحده، دشواری مقابله با چالش سایبری، ارتباطی به شکاف و فاصله قدرت فناورانه ندارد. ایالات متحده از توانایی گسترده‌ای در حوزه جاسوسی سایبری و قابلیت‌های تهاجم سایبری برخوردار است و چالش این کشور در این حوزه، بیشتر به تدوین راهبردی برای مهار مؤثر فعالیت‌های قهرآمیز روسیه در فضای مجازی مربوط می‌شود. چنین راهبردی، ترکیبی از فعالیت‌هایی مانند دفاع از شبکه‌های رایانه‌ای دولتی، نظامی و خصوصی؛ پاسخ‌گویی به انواع گوناگون عملیات شبکه‌ای رایانه‌ای روسیه؛ تشخیص درست عامل حملات؛ انجام عملیات سایبری متناسب با حمله سایبری؛ و ایجاد مقاومت متحد در برابر حمله‌های مشابه را دربر می‌گیرد. در این زمینه، ایالات متحده، بیشترین اقدامات را برای انجام عملیات سایبری تهاجمی انجام داده است (Mark, 2016: 1).

نشان دادن قابلیت‌های سایبری به‌عنوان بخشی از یک راهبرد بازدارنده مؤثر، خطرهایی را برای دوام قابلیت‌ها ایجاد می‌کند. هیچ راهکاری وجود ندارد که بتواند از تمام حمله‌های سایبری در شکل‌های گوناگون آن، دفاع یا جلوگیری کند. هر نرم‌افزاری به‌ناچار نقص‌هایی خواهد داشت و بازیگر پیشرفته و مصمم دولتی‌ای مانند روسیه، همیشه آسیب‌پذیری‌ها را پیدا خواهد کرد. در سال

1 Electromagnetic spectrum

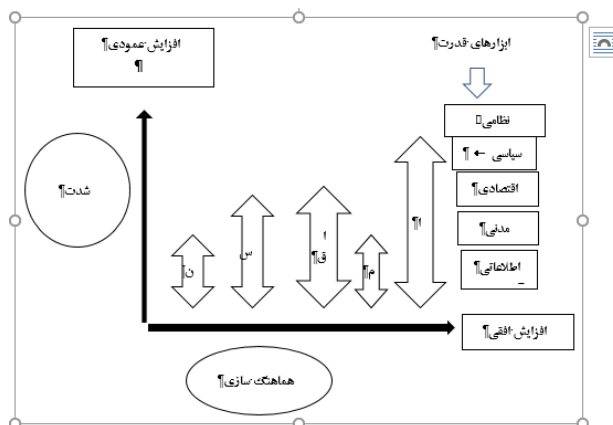
2015، وزارت دفاع ایالات متحده، بیان کرد که در پی شفاف‌سازی مأموریت‌ها، اهداف، و توانایی‌های خود در فضای سایبری بود. راهبرد سایبری وزارت دفاع آمریکا، دربردارنده سه مأموریت راهبردی در فضای سایبری است که عبارتند از: 1) دفاع از شبکه‌ها، سامانه‌ها، و اطلاعات وزارت دفاع؛ 2) دفاع و مقابله با حمله‌های سایبری مهمی که علیه ایالات متحده و منافع حیاتی این کشور رخ می‌دهد؛ 3) به‌کارگیری توانایی‌های یکپارچه سایبری برای پشتیبانی از عملیات نظامی جهانی ایالات متحده و برنامه‌های احتمالی آن (www.archive.defense.gov).

ایالات متحده، توانایی‌های گسترده سایبری تهاجمی‌ای دارد که می‌تواند از آن برای پشتیبانی غیرمستقیم از عملیات نظامی این کشور استفاده کند. همچنین، این قابلیت‌های تهاجمی در حوزه سایبری، در برابر دشمنان ایالات متحده، به‌ویژه روسیه، می‌تواند پیامدهای راهبردی گسترده‌ای داشته باشد. ایالات متحده، تعداد زیادی از بدافزارهای قابل‌کاشت را که بیشتر برای جاسوسی در شبکه‌های رایانه‌ای دشمنان استفاده می‌شود، در اختیار دارد، که در صورت لزوم می‌تواند از آن به‌عنوان راهی برای مجازات متجاوز حمله سایبری به ایالات متحده استفاده کند. هواپیماهای نسل پنجم آمریکایی و همچنین، سکوهاى جنگ الکترونیکی، قابلیت مخابره سایبری کدهای ویرانگری را به رادارهای دشمن دارد و با انتقال این کدها به سامانه دفاع هوایی و موشکی دشمن می‌تواند سبب اختلال و حتی غیرفعال کردن عملکرد آنها شود (Hicks & Samp, 2017: 133).

از میان سه شاخص جاسوسی، نظارت، و شناسایی؛ جنگ الکترونیکی؛ و جنگ سایبری، روسیه در زمینه جنگ الکترونیکی، توانایی چشمگیری برای به‌چالش کشیدن ایالات متحده دارد، و در مقابل، ایالات متحده در دو شاخص جاسوسی، نظارت و شناسایی، و جنگ سایبری، برتری چشمگیری نسبت به روسیه دارد.

ایالات متحده با هر پنج ابزار جنگ ترکیبی، برای تشدید چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه (گسترش ناتو، گسترش اتحادیه اروپا، بحران گرجستان، و بحران اکرین) دخالت کرده است. ابزار اطلاعاتی، مهم‌ترین ابزار قدرت ایالات متحده است که با کمک آن، تحرک‌های روسیه در اروپای شرقی را ثبت و ضبط می‌کند و در اختیار متحدان اروپای‌اش می‌گذارد و آن‌ها را در تمدید تحریم روسیه، یکپارچه نگه می‌دارد. ابزار سیاسی و اقتصادی، به‌ترتیب، ابزارهای قدرتمند دیگر ایالات متحده در جنگ ترکیبی علیه روسیه هستند و ابزار نظامی و مدنی، در ردیف ابزارهای کم‌اهمیت‌تر جای دارند. با

توجه به آنچه در باره ابزارهای قدرت ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه مطرح شد، می‌توان نمودار از به‌کارگیری این ابزارهای ترکیبی را ترسیم کرد. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در جنگ ترکیبی ایالات متحده علیه روسیه، ایالات متحده از پنج ابزار قدرت جنگ ترکیبی بهره می‌برد که از میان آن‌ها، ابزار اطلاعاتی، اقتصادی، و سیاسی از مهم‌ترین ابزارهای ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه به‌شمار می‌آیند.



نکته: حروف اختصاری درون هر پیکان، مخفف ابزارهای قدرت جنگ ترکیبی هستند.

نمودار 2. ابزارهای قدرت ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر چالش‌های امنیتی اتحادیه اروپا-روسیه

نتیجه‌گیری

ایالات متحده برای مهار روسیه و جلوگیری از ظهور قدرت روسیه در سطح منطقه‌ای و جهانی، با این کشور درگیر شده است و یکی از این حوزه‌های درگیری، حوزه اروپای شرقی است. ایالات متحده با اتکا به ابزارهای قدرت ویژه جنگ ترکیبی علیه روسیه در اروپای شرقی در حال مهار روسیه است. افزون‌براین، روسیه و اتحادیه اروپا، پس از حمله روسیه به گرجستان در سال 2008 و بحران اوکراین در سال 2014، با چالش‌های امنیتی‌ای روبه‌رو شده‌اند. روسیه که پیش از بحران، به‌عنوان شریک راهبردی اتحادیه اروپا مطرح بود، پس از بحران اوکراین — که در نتیجه برنامه مهار روسیه، توسط ایالات متحده برای گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به‌وجود آمد — میان روسیه و اتحادیه اروپا

رقابت و درگیری رخ داد. کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا (مانند ایتالیا، فرانسه، و آلمان) که مرز مشترکی با روسیه ندارند، پس از بحران اکرین نیز روابط اقتصادی دوجانبه خود با روسیه را بهبود و گسترش دادند، اما در قالب اتحادیه اروپا و به‌ویژه تحت تأثیر جنگ هیبریدی ایالات متحده علیه روسیه در اروپای شرقی، به تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه پایبند ماندند.

چالش امنیتی ایالات متحده و روسیه، چالشی ترکیبی است و با توجه ابزار قدرت دو طرف، نوع چالش امنیتی‌ای که یکی از دو طرف برای رقیب ایجاد می‌کند، متفاوت است. روسیه با به‌کارگیری ابزار قدرت نظامی و اطلاعاتی (جنگ الکترونیک) قادر به ایجاد چالش و تهدید برای ایالات متحده و متحدان این کشور است، اما ایالات متحده با ابزار قدرت اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی، توان ایجاد چالش و پاسخ‌گویی به روسیه را دارد. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری و تعمیق و تداوم چالش‌های امنیتی میان روسیه و اتحادیه اروپا، حضور ایالات متحده در اروپای شرقی و گسترش ناتو (به‌عنوان ابزاری برای مهار روسیه) است. ایالات متحده برای جلوگیری از افزایش قدرت روسیه در اروپای شرقی، در این منطقه حضور دارد. ابزارهای مورد استفاده ایالات متحده برای تعمیق چالش‌های امنیتی میان روسیه و اتحادیه اروپا عبارتند از: ابزار نظامی، اقتصادی، سیاسی، مدنی، و اطلاعاتی، که ابزارهای اطلاعاتی، اقتصادی، و سیاسی، مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای ایالات متحده برای تشدید و تداوم چالش‌های امنیتی روسیه و اتحادیه اروپا به‌شمار می‌آیند.

پژوهش حاضر نشان داد که ایالات متحده از ابزارهای اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی، مدنی، و نظامی، برای مهار روسیه و تعمیق چالش‌ها و تعارض‌های امنیتی میان روسیه و اتحادیه اروپا بهره گرفته است. جنگ ترکیبی ایالات متحده، به‌ویژه در حوزه اروپای شرقی و همچنین، در سطح مناطق راهبردی دیگری مانند خاورمیانه، در حال گسترش است و به‌نظر می‌رسد، ابزارهای پنج‌گانه جنگ ترکیبی بتوانند موازنه قوا در اروپای شرقی و مناطق راهبردی دیگر جهان را به‌گونه‌ای عمیق و گسترده، دگرگون کنند؛ از این رو، بهتر است که کشورهای رقیب ایالات متحده، خود را برای این شیوه نوین جنگ ایالات متحده با رقبایش آماده کنند.

منابع

- Adomeit, H. (2019). Eugene Rumer and Richard Sokolsky: *Thirty Years of US Policy Toward Russia: Can the Vicious Circle Be Broken?* Washington, DC: The Carnegie Endowment for International Peace, Juni 2019. SIRIUS-Zeitschrift für Strategische Analysen, 3(4), 422-423.
- Aje, O. O., & Chidozie, F. (2017). Us-russia relations: challenges and implications for global security.
- Alireza Samoudi , (2021). Russian Hybrid War in European Countries; Why and How, *Journal of Strategic Studies*, 23(3), 173-204. (In Persian).
- Averre, D. (2016). The Ukraine Conflict: Russia's Challenge to European Security Governance. *Europe-Asia Studies*, 68(4), 699-725.
- Averre, D. 2009. "Competing Rationalities: Russia, the EU and the 'Shared Neighbourhood'." *Europe-Asia Studies* 61 (10): 1689-1713.
- Averre, D. 2016. "The Ukraine Conflict: Russia's Challenge to European Security Governance." *Europe-Asia Studies* 68 (4): 699-725
- Bachmann, S. D. and Gunneriusson, H. (2015). Russia's hybrid war in the east: The integral nature of the information sphere. *Georgetown Journal of International Affairs*, Fall 2015, pp. 198-211
- Barack Obama, "Statement by the President on Actions in Response to Russian Malicious Cyber Activity and Harassment" (speech, *Washington, DC*, December 29, 2016), Retrieved from: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2016/12/29/statement-president-actions-response-russian-malicious-cyber-activity>
- Bērziņš, J. (2015). A New Generation of Warfare. *Per Concordiam*, 6(3), 24-40.
- Cullen, P. J., & Reichborn-Kjennerud, E. (2017). MCDC Countering Hybrid Warfare Project: *Understanding Hybrid Warfare. A Multinational Capability Development Campaign project*, London.
- Dearden, Lizzie (2018). Russia claims it could have been in interests of Britain to poison Sergei Skripal, *The Independent*, Retrieved from: <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/sergei-skripal-latest-salisbury-poisoning-attack-russia-nerve-agent-sergei-lavrov-a8284766.html>
- DeBardeleben, J. (2009). The impact of EU enlargement on the EU-Russian relationship. *Resurgent Russian and the West: The European Union, NATO and Beyond*. Dordrecht, The Netherlands: Republic of Letters Publishing.
- Dempsey, Judy (2018, Judy Asks: Is Russia Europe's Biggest Threat? Retrieved from: https://carnegieeurope.eu/strategieurope/75608?fbclid=IwAR0CJJh6CKaiQyFG6-AvrJZ_bP_u-1-o20uaEh0QbNdTWOWxXzBvmMxkATM

- Di Giovanna De Maio e Nicolò Sartori(2018), *Le Relazioni tra Italia e Russia*, *iai.it*, Retrieved from: https://www.iai.it/sites/default/files/pi_a_0144.pdf
- Eshel, T. (2016). Russia Plans to Deploy Anti-Satellite Airborne Laser Weapons. *Defence Update*. Retrieved from: https://defense-update.com/20160926_a60.html
- France Diplomatie, Présentation: <https://www.diplomatie.gouv.fr/fr/dossiers-pays/russie/relations-bilaterales/presentation>.
- Fred Kaplan (2016). "How the United States Learned to Cyber Sleuth: The Untold Story," *Politico Magazine*, March 20, Retrieved from: <http://www.politico.com/magazine/story/2016/03/russia-cyber-war-fred-kaplanbook-213746>
- Galeotti, M. (2014). The 'Gerasimov doctrine' and Russian non-linear war. *Moscow's Shadows*, 6(7), 201.
- Hahn, G. M. (2017). *Ukraine Over the Edge: Russia, the West and the "New Cold War"*. McFarland.
- Hinz, Julian (2018). German business concerns take a back seat over Russia sanctions, *Financial Times* Retrieved from: <https://www.ft.com/content/d6785134-3f2a-11e8-b7e0-52972418fec4>
- Hoffman, F. G. (2009). *Hybrid warfare and challenges*. National Defense Univ Washington Dc Inst For National Strategic Studies.
http://carnegieendowment.org/files/6-29-16_Weiss_and_Nephew_Sanctions.pdf
- Isaac Arnsdorf and Elana Schor(2016), "ExxonMobil helped defeat Russia sanctions bill," *Politico*, December 18, Retrieved from: <https://www.politico.com/story/2016/12/exxon-mobile-russia-sanctions-rex-tillerson-232770>
- Kagan, F. W., Bugayova, N., & Cafarella, J. (2019). *Confronting the Russian Challenge: A New Approach for the US*. *Institute for the Study of War*.
- Kanet, R. E. (Ed.). (2017). *The Russian challenge to the european security environment*. Springer International Publishing.
- Korybko, A. (2015). *Hybrid Wars: the indirect adaptive approach to regime change*. The People's Friendship University of Russia
- Larivé, M. H. A., & Kanet, R. E. (2013). The Return to Europe and the Rise of EU-Russian Ideological Differences. *Seton Hall J. Dipl. & Int'l Rel.*, 14, 125 .
- Majid Rohidehboneh, Hossain Karimifard & Seyed Taghi Mirmehdipor, (2020). Security relations between the major powers (Russia and the United States) in the post-Soviet security complex before and after the Ukraine crisis, *A Quarterly Journal World Politics*, 9(2), 231-264. (In Persian).
- Marocchi, T. (2017). EU-Russia relations: Towards an increasingly geopolitical paradigm. *Heinrich Boll Stiftung*, July, 3, 2017.

- Matthew C. Weed, U.S. International Broadcasting: Background and Issues for Reform, R43521 (Washington, DC: Congressional Research Service, December 15, 2016), Retrieved from: <https://fas.org/sgp/crs/row/R43521.pdf>
- Ministère de l'économie et des finances Website, 24ème édition du Conseil économique, financier, industriel et commercial franco-russe (CEFIC) Retrieved from: <https://www.tresor.economie.gouv.fr/Articles/2018/12/27/24eme-edition-du-conseil-economique-financier-industriel-et-commercial-franco-russe-cefic-17-decembre-2018>
- NATO, "NATO releases satellite imagery showing Russian combat troops inside Ukraine," August 28, 2014, Retrieved from: http://www.nato.int/cps/en/natohq/news_112193.htm
- Neistat, O. (2018). The Countering America's Adversaries through Sanctions Act 2017, the Trump Administration and Bureaucratic Drift. *Penn Journal of Philosophy, Politics & Economics*: Vol. 13 : Iss. 1 , Article 3.
- Orlova, V. V. (2020). US–Russia Relations in the Last 30 Years: From a Rapprochement to a Meltdown. In *30 Years since the Fall of the Berlin Wall* (pp. 117-138). Palgrave Macmillan, Singapore.
- Paul, C., & Matthews, M. (2016). The Russian "firehose of falsehood" propaganda model. Rand Corporation, 2-7.
- Pomerleau, M. (2016). Congress set to elevate CYBERCOM to unified combatant command. C4ISR Net, December, 1.
- Perry, B. (2015). Non-linear warfare in Ukraine: The critical role of information operations and special operations. *Small Wars Journal*, 14, 1-30 .
- Pezard, S. (2018). European Relations With Russia: Threat Perceptions, Responses And Strategies In The Wake Of The Ukrainian Crisis. *RAND Corporation Santa Monica United States*.
- Pifer, S. (2015, March). US-Russia Relations in the Obama Era: From Reset to Refreeze?. In *OSCE Yearbook 2014* (pp. 111-124). Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG
- Rebecca M. Nelson, U.S. Sanctions on Russia: Economic Implications, R43895 (Washington, DC: Congressional Research Service, February 4, 2015), 6, Retrieved from: <https://www.fas.org/sgp/crs/row/R43895.pdf>
- RT France Website, Macron se veut confiant quant à l'avenir des relations économiques franco-russes, Retrieved from: <https://francais.rt.com/economie/51032-macron-poutine-evoquent-relations-economiques-saint-petersbourg>
- Russell , Martin (2018), US-Russia relations Reaching the point of no return? 2018. Retrieved from: https://www.europarl.europa.eu/thinktank/de/document.html?reference=EPRS_BRI%282018%29628230
- Rutland, P. (2017). Trump, Putin, and the Future of US-Russian Relations. *Slavic Review*, 76(S1), S41-S56.

- Samp, L. S. (2017). *Recalibrating US Strategy toward Russia: A New Time for Choosing*. Rowman et Littlefield Publishers.
- Sanger, D. (2016). Shadow brokers leak raises alarming question: Was the NSA hacked. *New York Times*. Retrieved August, 17, 2016: <https://www.nytimes.com/2016/08/17/us/shadowbrokers-leak-raises-alarming-question-was-the-nsa-hacked.html>
- Shlapak, D. A., & Johnson, M. W. (2016). Reinforcing deterrence on NATO's eastern flank: Wargaming the defense of the Baltics. *RAND Arroyo Center Santa Monica United States*.
- Smith, J., & Twardowski, A. (2017). The future of US-Russia relations. Center for a New American Security.
- Smith, N. R. (2020). A Four-Dimensional Neoclassical Realist Framework. In *A New Cold War?* (pp. 9-23). Palgrave Pivot, Cham.
- Sputnik Website, Quali paesi hanno espulso diplomatici russi Retrieved from: <https://it.sputniknews.com/infografica/201803285827558-paesi-espulso-diplomatici-russi>
- Srinivas, J. (2017). Changing Russian Foreign Policy in a Multipolar World. *International Journal of Research in Social Sciences*, 7(9), 340-35
- Sydney Freedberg (2016), "Army's New Rapid Capabilities Office Studies Electronic Warfare Boost," *Breaking Defense*, July 1, Retrieved from: <http://breakingdefense.com/2016/07/armys-new-rapid-capabilities-office-studies-electronic-warfare-boost>
- Trenin, D. (2018). Russia and Germany: From Estranged Partners to Good Neighbors. Carnegie Moscow Center, June.
- U.S. Department of Defense, The Department of Defense Cyber Strategy, April 2015, 3-6 Retrieved from: https://archive.defense.gov/home/features/2015/0415_cyber-strategy/final_2015_dod_cyber_strategy_for_web.pdf
- Weiss, A. S., & Nephew, R. (2016). The role of sanctions in US-Russian relations. Carnegie Endowment Task Force White Paper. Retrieved from:
- Wither, J. K. (2016). Making Sense of Hybrid Warfare. *Connections: The Quarterly Journal*. 15(2), 73-87.
- Wood, D. (2016). 2016 Index of US Military Strength (*Washington, DC: The Heritage Foundation*, 2015), 8 .
- World Bank Group. (2016). *Russia Economic Report, No. 36, November 2016: The Russian Economy Inches Forward-Will that Suffice to Turn the Tide?*. World Bank. Retrieved from: <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/424231478762595715/the>